

عالمان، محققان و پژوهشگران اسلامی، از دیرباز قرآن را به عنوان منبع افکار و اندیشه‌ها می‌شناختند و کتاب الهی را چونان سنگ زیرین بنای تفکر خود تلقی می‌کردند و در تحلیلها و پژوهشها و نقد و بررسی و داوری آراء و اندیشه‌ها به قرآن باز می‌گشتند. بدین سان پیشانی بر آستانش می‌ساییدند و کام تشنه خود را از آبشخور زلال این اقیانوس بی‌کران سیراب می‌ساختند و دواي دردهاشان را از آیات شفا بخش قرآن می‌جستند و در جهت رفع مشکلات خود بدان روی می‌آوردند و از این رهگذر جان و روح متلاطم خویش را در پناه تمسک به ثقل اکبر و عمل به مفاهیم آن آرامش می‌بخشیدند.

تلاشهای متفکران و اندیشمندان برای دستیابی به معانی ظاهری و مفاهیم باطنی و کشف راز و رمزهای نهفته در این صحیفه آسمانی، روایات تفسیری پیامبر (ص) و صحابه و تابعان، موشکافی‌های ادیبان و لغت‌شناسان پیرامون مفاهیم ژرف الفاظ قرآن، همه و همه در طول سالیان دراز جمع گشت و عرصه را برای ظهور تفاسیر مدوّن آماده ساخت.

---

# نگاهی به (حقائق التأویل) سید رضی

---

✽ سیدمصطفی احمدزاده ✽



تفاسیری که به عصر ائمه (ع) نزدیک ترند از یک سو به واسطه نزدیکی به عصر نزول قرآن و دستیابی به سرچشمه های زلال روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) که مفسران حقیقی قرآنند - و از دگر سو به دلیل دسترسی به گفته های صحابه و یاران ائمه که به طور مستقیم معارف قرآنی را از حاملان واقعی قرآن دریافت می کردند؛ در میان دیگر تفاسیر از اهمیت ویژه ای برخوردارند.

برای استفاده هرچه بیشتر از روشهای تفسیری مطابق با قرآن و سنت و جلوگیری از فرورفتن در گرداب تفسیر به رأی، بررسی روشهای تفسیری عالمان بزرگ شیعی در قرون اولیه اسلام و اینکه اینان بر چه پایه هایی تفاسیر خویش را استوار می ساخته اند، ضرورت می یابد.

از جمله تفاسیر مهم شیعه در سده های اولیه اسلام، تفسیر شریف «حقائق التاویل فی متشابه التنزیل» اثر مفسر گرانقدر و محقق سخت کوش علامه شریف رضی است. نگارنده در این تحقیق به کاوشی درباره روش تفسیری سید رضی در این تفسیر می پردازد. امید است که قرآن پژوهان را سودمند افتد.

### شخصیت سید رضی

سید رضی، عالم بزرگوار، شاعر گرانمایه، نقیب سادات علویان، یکی از اعلام قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است که در بغداد، مرکز خلافت بنی عباس و مقرر حکومت تیره ای از آل بویه در سال ۳۵۹ هـ. ق دیده به جهان گشود، تحصیلات عالی اش را نزد استادان بنام آن روزگار چون شیخ مفید، عبدالجبار معتزلی، رمانی و ابن جنی در علوم گوناگون اسلامی به اتمام رسانید و در سنین جوانی اقدام به تدریس و تألیف و تصنیف کرد.

شریف رضی از دانشمندانی بود که به حق می توان گفت پیش تر از زمانش می زیسته و دارای اندیشه های ناب ادبی، تفسیری، کلامی و بویژه اندیشه های سیاسی و اجتماعی در سطح بالا بوده است. سید رضی پس از پنجاه و هفت سال عمر پربار، در ۴۰۶ هجری قمری در بغداد به لقاء الله پیوست. رحمت خداوند بر او باد.<sup>۱</sup>

### چشم انداز سیاسی، مذهبی و علمی قرن چهارم

بررسی وضعیت سیاسی - فرهنگی عصر تألیف هر کتاب، دانش پژوهان را در

جهت شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر و دستیابی به ویژگی‌های خاص آن کتاب یاری می‌دهد. از این رو بررسی موقعیت سیاسی، مذهبی و علمی قرن چهارم راه را برای ارائه تحقیقی دقیق و همه‌جانبه پیرامون روش تفسیری کتاب حاضر هموارتر می‌سازد.

در سده چهارم هجری بغداد عرصه رویارویی آراء و افکار و محل رشد و نمو تمدن اسلامی و صحنه تجمع انبوه دانشمندان، فقها، محدثان، متکلمان، مفسران، ادبا و شعرای نامی بود. علمای شیعه فرصت پیدا کردند تا درباره اثبات حقایق باورهای خود با مخالفان به بحث و مناظره بپردازند. فشارها و محدودیت‌هایی که بر شیعه وارد می‌آمد به نسبت زیادی تعدیل یافت. پیروان تشیع توانستند شعارهای خود را آزادانه مطرح کنند.<sup>۲</sup>

مهم‌ترین شخصیت شیعی، شیخ مفید، علاوه بر دقتش در احادیث، از جنبه عقلی نیز تلاش زیادی در بازشناسی و شناساندن عقاید شیعی داشت. به نظر می‌رسد عنصر جدیدی که در قرن چهارم بیشتر وارد تفکر شیعی شد، مسائل عقلی بود.<sup>۳</sup>

محدثان از نظر مقام، بالاترین عالمان بودند و از رجال بزرگ اسلام به حساب می‌آمدند، از سوی دیگر صوفیه مخالف سرسخت همه فقها بودند و به عیب‌جویی اکتفا نکرده، با عبارات زشت بدگویی نیز می‌کردند. اما موقعیت تفسیر و مفسران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در قرن چهارم، تفسیر قرآن را بدون شرایط لازم جایز نمی‌شمردند.

از آنجا که همه فرقه‌ها در آن عصر، به عنوان بزرگ‌ترین مرجع و منبع استشهاد و استناد به قرآن تکیه می‌کردند و می‌بایست به دلایل قرآنی مجهز شوند، بنابراین قرآن نیز چون هر کتاب مقدس دیگری در معرض تفسیرهای تکلف‌آمیز بود. به ویژه صوفیان و غالیان به تأویل‌گری شهره بودند و به شیوه کهن برای اثبات دعاوی خویش به تأویلات دور از مفاد ظاهر آیات دست می‌یازیدند، چنان‌که برخی از غلات می‌کوشیدند بسیاری از اسماء وارده در قرآن را بر اشخاص معین تاریخی تطبیق کنند. و نیز عده‌ای حرص و اصرار زیاد در آوردن عجایب و غرایب داشتند و جمعی کوشیدند قرآن را با عقل تطبیق دهند.<sup>۲</sup>

### بررسی ساختاری حقائق التأویل

بخشی از تفسیر «حقائق التأویل» پس از هزار سال گمنامی از سوی متدی النشر

حوزه علمیة نجف چاپ و در ایران نیز بارها به صورت افست انتشار یافته است. از میان چندین مجلد این کتاب، تنها یک جزء از آن به دست آمده است که در حدّ یک پنجم مجموعه تفسیری است که از کتابخانه آستان قدس رضوی به دست آمده است.

از ابی الحسن عمر نسّابه نقل شده است که او گفته: تفسیر قرآن سید رضی را دیده‌ام، بهترین تفاسیر و از تفسیر شیخ طوسی بزرگ تر است. دیگران نیز این جمله را نوشته اند که: یک جلد از تفسیر منسوب به سید رضی را دیده‌ام بسیار تفسیر خوبی است و نسبت به تفسیر طبرسی بزرگ تر است.<sup>۵</sup>

گاه مؤلف در کتاب دیگرش - المجازات النبویة - از حقائق التأویل یاد می‌کند و گاه هم تصریح به نام آن نیز نمی‌کند و از آن به «کتاب بزرگ در متشابه القرآن» تعبیر می‌نماید و پیداست که این گونه صفات، منطبق با کتاب حقائق التأویل است، زیرا هم کتاب بزرگی بوده است و هم ویژه متشابهات قرآن.

جزء پنجم این کتاب، تفسیر آیات سوره آل عمران را در ۳۱ فصل و ۴۸ آیه از سوره نساء در ۶ فصل دربردارد که در جمع ۳۷ فصل می‌شود، و با اسلوبی بدیع و نظمی دقیق به رشته تحریر درآمده است.

کتاب در نوع خود بی‌مانند است و حسن بیان و جمع و استقصاء اقوال علماء آن عصر در پرتو هوشیاری و عظمت علمی و شخصیتی نویسنده آن را امتیاز ویژه‌ای بخشیده است. به گونه‌ای که ابن جنّی، استاد مؤلف گفته است:

«رضی کتابی در معانی قرآن کریم تصنیف نموده که پیدایی مانند آن غیر ممکن است.»<sup>۶</sup>

سید رضی در حقائق التأویل بحث درباره هر آیه متشابه را در قالب یک مسأله طرح می‌نماید. از این رو کتاب به ریخت مجموعه‌ای از پرسشهای گوناگون درآمده و هر پرسیمان دارای استقلال علمی و فایده ویژه است.<sup>۷</sup>

این کتاب، چنان‌که از نام آن پیداست، درباره متشابه قرآن می‌باشد، و در زمینه خود نیز نادر است و مؤلف محترم برای هر آیه‌ای که متشابه باشد به صورت جداگانه بحث کرده به گونه‌ای که از آیات قبل و بعدش جداست، و تنها از جهت همانندی با سایر آیات اشتراک دارد. بنابراین، کتاب حاضر شامل یک عده از مسائل متنوعه است، و هر مسأله‌ای از جهت علمی، موضوعی جداگانه است و نکات ویژه‌ای دارد، و همچون سایر کتابهای تفسیری نیست.

سبک و روش سید رضی در این کتاب این است که آیات واضح و روشن را تفسیر نمی‌کند. آیاتی را تفسیر می‌کند که در نظر ابتدایی ناسازگاری‌هایی با قواعد ادبی یا حکم شرعی یا یکی از اعتقادات اسلامی و یا یکی از مقتضیات عقلی دارد. وی آنها را به عنوان سؤال مطرح می‌کند و سپس جوابهایی را که به آن پرسش داده شده و سرانجام پاسخی را که خود می‌پسندد بیان می‌کند.<sup>۸</sup>

از سوی دیگر بیشتر آیات متشابه قرآن کریم از جهت اجمال و متشابه بودن شبیه یکدیگرند، و چه بسا در خلال سی و هفت آیه متشابهی که در این جزء آمده است، گره‌گشایی از صدها آیه متشابه دیگر نیز می‌شود. علاوه بر این مؤلف در ضمن بحث پیرامون هر آیه‌ای به آیات غیرمتشابه نیز استشهاد جسته است و در پرتو محکومات قرآن به روشن سازی مفاهیم متشابهات پرداخته است، به طوری که در هر موضوعی با توجه به همه آیات قرآن پیرامون آن موضوع به تفسیر آیه مورد بحث همت می‌گمارد.

همین امر است که بر ارزش این کتاب بزرگ می‌افزاید. کتاب حاضر که ویژه تفسیر آیات متشابه است، پژوهشی گسترده پیرامون اقوال علما، تا آن عصر است، و این خود یک امتیاز برجسته تاریخی می‌باشد؛ حال اگر مؤلف نام صاحبان آراء و عقاید را نیز ذکر می‌کرد کتاب به منبعی تحقیقی و مستند تبدیل می‌شد.

شریف رضی در ابتدای هر آیه متشابه، در آغاز چند سؤال مطرح می‌کند و سپس آیه متشابه را ذکر می‌کند و اشکالات و انتقاداتی را که بر آن آیه شده است، به طور دقیق مطرح می‌کند و در ادامه اقوال علما را پیرامون آن اشکالات نقل می‌کند و در پایان نظر خود را ذکر می‌کند.

مؤلف پیش از ورود به بحث با طرح سؤالاتی خواننده را به اندیشیدن پیرامون آن سؤالات وا می‌دارد. مسئله‌ای که دانشمندان و روان‌شناسان جدید بدان دست پیدا کرده‌اند، هزار سال پیش توسط این اندیشمند متفکر و دانشمند خوش ذوق به صورتی بدیع و عمیق در عمل پیاده شده است و این نشانگر نبوغ فکری و علمی مؤلف است.

وی با طرح سؤالات، از یک سو حس کنجکاوی و حقیقت‌جویی را در خواننده بر می‌انگیزد و او را وادار به تعقل و تفحص پیرامون سؤالات می‌کند و از دگر سو خواننده را در جهت درک صحیح سؤال و پاسخ احتمالی خویش بر می‌انگیزاند، و از این راه به خواننده فرصت اندیشیدن می‌دهد تا سؤال را حلاجی کند و مایه علمی خود را محک بزند و احیاناً نظر خودش را در ذهن مجسم کند و بعد نظر مؤلف را با نظر خود بسنجد و

به داوری بنشیند .

مؤلف محترم پس از موشکافی سؤال و طرح جنبه های گوناگون مسأله ، ادله مخالفان و موافقان را در جواب سؤال ذکر می کند و گاه عقایدی را تأیید می کند و گاه در صدد رد اقوال با استدلال به آیات و اشعار و نکات نحوی و لغوی بر می آید و در پایان اگر نظری غیر از نظر عالمان دیگر داشته ، آن را ذکر می کند . در بیشتر بخشها ، فصولی را در پایان اقوال می آورد و بحثهای مفیدی را پیرامون موضوعات گوناگون مرتبط با آیه مذکور به بحث می گذارد و بدین شکل عرصه را بر اشکالات منتقدان و مخالفان تنگ می نماید و جای هرگونه شک و شبهه را از دل می زداید .

### محکم و متشابه از نظر سید رضی

سید رضی با هدف تأویل آیات متشابه ، حقائق التأویل را نگاشته است ، از این رو لازم است پیش از ورود به بحث روش تفسیری ، دیدگاه سید رضی را درباره محکم و متشابه بیان داریم .

احکام ، مأخوذ از «حکم» به معنی منع و بازداشتن گرفته شده است . ابن فارس معتقد است که این کلمه از «حَكَمَةُ اللَّجَامِ» به معنای بازداشتن اسب از سرعت ، مشتق شده است .<sup>۹</sup> بنابراین «احکام سخن» به معنای متقن و استوار بودن آن برای تعبیر و بیان مقصود و مفهوم سخن است .

«تشابه» از «تشابه الوجوه» گرفته شده است ، یعنی همانندی و شباهت وجهی از آن وجوه با وجه دیگر آن ، به گونه ای که سخنی ، چند وجه از معانی را در برداشته باشد و از این جهت است که در چنین سخنی وجه و معنای اصلی مورد نظر ، پوشیده و مخفی است .

راغب اصفهانی می گوید :

«محکم آن است که از حیث لفظ و معنی ، شبهه ای عارض آن نشود و در معرض شبهه نباشد . و متشابه آن است که ظاهر آن ، از مقصود و منظور خبر نمی دهد و معنای مورد نظر گوینده را آشکارا بیان نمی کند .»<sup>۱۰</sup>

بنابراین ، متشابه در اصطلاح قرآن ، لفظی است که وجوه متعددی از معانی و مفاهیم را در بردارد و مورد شک و شبهه است و از این رو همان طور که می توان آن را به وجهی صحیح تأویل کرد ، به وجهی نادرست نیز قابل تأویل است و به همین دلیل ، این

موضوع، دست‌آویز مفسدان قرار گرفته تا به منظور فتنه‌انگیزی، تشابهات را بر وفق اهداف گمراه‌کننده خود تأویل کنند.<sup>۱۱</sup>

سید رضی معتقد است که باید آیات متشابه را به محکم بازگرداند و با استناد به آیه ۷ سوره آل عمران منظور خداوند از «ام‌الکتاب» را آیات محکومات قرآن می‌داند که تمام آیات به صورت جمعی می‌توانند در مقام (ام) کتاب قرار بگیرند نه فقط برخی آیات. مؤلف همچنین در توضیح نظریه خود اضافه می‌کند که هدف قرآن که عبارت است از بیان معالم دین از یک آیه یا دو آیه به دست نمی‌آید؛ بلکه در سایه توجه به تمام آیات قرآن به صورت یک جمع منسجم حاصل می‌شود؛ لذا معنای «ام» در آیه فوق، اصلی است که بدان تکیه می‌گردد و این اصل چیزی غیر از محکومات قرآن نیست. چون آیاتی که محکم و استوارند، اصل هستند برای آیات متشابه که وقتی آنها با یکدیگر سنجیده شوند، آنچه این کتاب مبین در ضمیر دارد آشکار شود و گنجینه‌هایش بجوشد و پدید آید.<sup>۱۲</sup>

مؤلف در بخش اول کتاب، فصلی پیرامون «الراسخون فی العلم و علمهم بتأویل الکتاب» گشوده است و اقوال گوناگون را پیرامون این بحث آورده است، ولی نظر خودش را پیرامون این مسأله و همچنین محکم و متشابه نیاورده است، در صورتی که لازم بوده ذیل این آیه به شکل گسترده پیرامون تأویل، محکم و متشابه از دیدگاه خودش بحث کند. جواب این اشکال با مراجعه به مباحث بعدی کتاب روشن می‌شود. سید رضی در بخش ۳۱ می‌نویسد:

«ما در آغاز این کتاب به هنگام بحث از «اصول محکم و متشابه» قاعده‌ای را گفته‌ایم که باید به آن قاعده بازگردیم و آن اینکه، باید آیات متشابه را به آیات محکومات برگردانیم ...»

و در ادامه به منظور تأویل آیه «و لایحسبنّ الذین کفروا أنّما نملى لهم خیر لأنفسهم أنّما نملى لهم لیزدادوا إثمًا و لهم عذاب مهین» (آل عمران/ ۱۷۸) از همین قاعده بهره برده است. برخی آیه فوق را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که مخالف با محکومات قرآن است؛ اینان گفته‌اند که «لام» در «لیزدادوا» مانند «لام» در «وما خلقت الجنّ و الانس إلاّ ليعبدون» (ذاریات/ ۵۶) است و همان‌طور که خداوند از مردم خواسته تا او را اطاعت کنند در آیه یادشده نیز پروردگار از کفار معصیت خواسته است. سید رضی در رد این گفتار به آیه محکم «وما خلقت الجنّ و الانسان إلاّ ليعبدون» استناد کرده است. وی

توضیح می‌دهد که این آیه بدان جهت از محکّمات است و موافق برداشت عقل، چون حرف لام در «لیعبدون» به جای خود به کار رفته است و آن عبادت جنّ و انس می‌باشد و آیه نخست که مورد بحث است بدان جهت از آیات متشابه می‌باشد که حرف لام در «لیزدواوا إثمًا» در موردی به کار رفته است که ظاهر آن مراد نیست، و آن «زیادتی گناه» است. از این رو آن را بر وجوهی که موافق و مطابق ادله عقلی و قواعد عدل الهی است حمل کرده این عمل را یکی از مبانی دین می‌داند و آگاهی از این اصل را برای هر مفسّری لازم می‌داند.<sup>۱۳</sup>

از رویارویی این دو مطلب، روشن می‌شود که سید رضی ابتدا در شروع و مقدمه کتابش، بحثهای مربوط به مقدمات تفسیری را به شکل گسترده و با توجه به عقاید و نظرات خودش پیرامون مباحث یادشده بویژه محکم و متشابه آورده است و اگر در اینجا گفته است که در ابتدای کتاب از محکم و متشابه سخن به میان آورده ایم به دو دلیل منظورش ابتدای جلد اول بوده است، زیرا در ابتدای این جزء تنها در حدّ دو یا سه سطر پیرامون محکم و متشابه بحث کرده است، در صورتی که تناسب چنین اقتضا دارد که در کتابی که فقط به آیات متشابه توجه دارد و فقط به تفسیر آنها می‌پردازد بیش از اینها به بحث محکم و متشابه پردازد، حال آن که در ابتدای این جزء بیش از چند سطر، مطلب دیگری پیرامون محکم و متشابه و اقوال علما و بویژه نظر خود مؤلف به چشم نمی‌خورد.

دلیل دیگر اینکه مؤلف در آخر کتاب حاضر (جزء پنجم)، می‌فرماید: «تمّ الجزء الخامس» و معلوم می‌شود اگر منظورش ابتدای این جزء بود از کلمه «کتاب» استفاده نمی‌کرد. در نتیجه معلوم می‌شود مباحث گسترده پیرامون محکم و متشابه را در ابتدای کتاب تفسیرش مطرح کرده است که دست ما از آن مباحث مفید و راهگشا کوتاه است، ولی از لابلای بحثهایی که در این جزء آورده عقیده اش پیرامون محکم و متشابه روشن می‌شود، چنان که نکاتی پیرامون این نظرات گذشت.

### تفسیر قرآن به قرآن در حقائق التأویل

یکی از روشهای تفسیری قرآن، تفسیر قرآن به قرآن است. قرآن کریم در آیات چندی خود را به عنوان تبیان، مبین و ... معرفی کرده است. کتابی که روشنگر همه چیز است، روشنگر خویش نیز می‌باشد. از این رو درك صحیح هر آیه‌ای در پرتو توجه به



آیات دیگر امکان‌پذیر است. آیه ۷ سوره آل عمران این نکته را یادآور گشته است که همواره برخی از آیات قرآن از جهت رساندن معنی و مفهوم رسا و واضح هستند و مفهوم و مقصود حقیقی آنها روشن و بدیهی است که از این گونه آیات به «امّ الکتاب» تعبیر می‌شود و برخی دیگر از آیات قرآن متشابه هستند و برای رسیدن به معنی و مفهوم حقیقی آنها باید از آیات محکم یاری جست و آیات متشابه را به «امّ الکتاب» ارجاع داد تا مقصود واقعی آیات روشن گردد. این آیه که یکی از مستندات پیروان تفسیر قرآن به قرآن است راه را برای تفسیر واقعی قرآن گشوده است. با توجه به این گونه آیات، تفسیر قرآن به قرآن در رأس هرم روش‌های تفسیری قرار می‌گیرد و بهترین و مطمئن‌ترین روش تفسیری را فراروی قرآن پژوهان و مفسران قرار می‌دهد.

سید رضی با عنایت به اهمیت این روش و با توجه به اینکه در آن روزگار، قرآن محکم‌ترین و استوارترین سند برای اقناع مخالفان و از سوی دیگر پذیرفتنی‌ترین سند و مدرک برای همگان بود، در جای جای تفسیر خویش از آن استفاده کرده است.

و از آنجا که تفسیرش آیات متشابه را دربردارد، برابر اصل خویش مبنی بر ارجاع آیات متشابه به آیات محکم خود را ملزم دانسته که در پاسخ و اقناع اشکالات مخالفان، از خود قرآن مدد جوید و با استدلال به آیات محکم، آیات متشابه را تفسیر کند.

با توجه به مطالب بالا، جایگاه تفسیر قرآن به قرآن در روش تفسیری سید رضی اهمیت کلیدی می‌یابد.

حال به نمونه‌هایی از این روش تفسیری در حقائق التأویل می‌پردازیم:

در مسأله ۲ «در معنای انحراف دلها از حق تعالی» در تأویل آیه کریمه: «ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة إنک انت الوهاب» (آل عمران / ۸) از آیه «فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم و الله لایهدی القوم الفاسقین» (صف / ۵) بهره برده و خواننده را به این نکته متوجه ساخته که «ازاغه» در قرآن در برخی مواضع، محکم و در برخی موارد، متشابه است و از جمله آیات متشابه در این زمینه آیه نخست است که آن را حمل به ظاهرش نمی‌توان کرد، چون در این صورت به آنجا می‌رسیم که بگوییم حق تعالی انسان را از ایمان منحرف می‌کند، حال آن‌که پروردگار چنین نخواهد کرد، زیرا این عمل قبیح است و خداوند از انجام آن بی‌نیاز است ...

ایشان در ادامه نتیجه می‌گیرد که باید آیه را متشابه دانست و ناگزیر باید آن را به آیه ای با همین معنی که محکم نیز می‌باشد برگرداند که آیه «فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم»

باشد و سپس به تأویل آن پرداخته و نکات بدیعی را به تصویر کشیده است.<sup>۱۴</sup> در مسأله ۱۰ برای روشن شدن معنای واژه «کلمه» در آیه «یا مریم إن الله یشرک بکلمة منه اسمہ المسیح ...» (آل عمران/ ۴۵) پس از ذکر اقوال گوناگون، قوی ترین وجه از وجوه مختلف را مطرح نموده توضیح می دهد که «کلمه» در این آیه به معنای وعده الهی است که پیش از این به آن نوید داده است، یا اینکه خداوند به این جهت حضرت عیسی (ع) را «کلمه» نامیده که به وسیله او مردم هدایت می شوند، چنان که به سخن خدای تعالی هدایت می شوند. بدین رو حضرت عیسی (ع) را به آن تشبیه کرده است. سید رضی برای تأیید گفتار خود به آیه «و جعل کلمة الذین کفروا السفلی و کلمة الله هی العلیا ...» استناد کرده و سپس معانی دیگری برای «کلمه» ذکر کرده و هر یک از اقوال را با آیات قرآنی مستند ساخته است.

سید رضی در مسأله سوم از سوره نساء در تأویل «لو تسوی بهم الارض» در آیه «یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوی بهم الارض و لا یکتبون الله حدیثاً» (نساء/ ۴۲) پس از آوردن اقوال گوناگون، نظر خود را با توسل به آیات دیگر قرآن موجه ساخته و معتقد است که معنای «لو تسوی بهم الارض» آرزوی بازگشت کافران به دنیا است و معنای یکسان بودن شان با زمین عبارت از بازگشت شان به حالت و هیأت اولیه شان است، زیرا در روز قیامت نیروی زمین کاسته می شود و اوضاع آن تغییر می یابد؛ چنان که خدای تعالی می فرماید: «یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات ...» (ابراهیم/ ۴۸) و سپس در جهت تأیید قول خود به آیات دیگری نیز تمسک می جوید و می نویسد:

«مؤید این گفتار، کلامی است که خدای تعالی از زبان کفار در آیاتی چند آورده است که آنان آرزوی برگشت و درخواست رجوع را می نمایند، از آن جمله: «قال ربّ ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت ...» (مؤمنون/ ۹۹-۱۰۰) و «فارجعنا نعمل صالحاً ...» (سجده/ ۱۲).»<sup>۱۵</sup>

### عقل و اجتهاد در حقائق التأویل

یکی از روشهای تفسیری، تفسیر اجتهادی است. در این روش، عقل و اجتهاد مفسّر محور تفسیر قرآن قرار می گیرد. عصر سید رضی از یک سو اوج شکل گیری بحثهای کلامی و عقلی و دفاع عقلگرایانه متکلمان از مذاهب گوناگون بود،

و از دگر سو عقل و اجتهاد و مباحث عقلی نقش مهمی در اقناع مخالفان و پاسخ به شبهات آنان ایفا می نمود. در این فضای عقل اندیشی و عقلگرایی است که تفسیر سید رضی شکل می گیرد. لذا وی در کتاب تفسیری خود - که فقط به مسائل و اشکالات مذاهب و حتی ادیان گوناگون پیرامون عقائد شیعه و اسلام می پردازد - از این موج تحوّل و تطوّر عقلی در تفسیر برکنار نیست و بدین جهت بسیاری از مشکلات تفسیری را با سرپنجه عقل و تدبّر و اجتهاد حلّ نموده است، چرا که فضای عصر وی ایجاب می کرده است که علما و مفسران با سلاح عقل به مصاف یکدیگر بروند و با کمک عقل و اجتهاد، مخالفان خویش را محکوم کنند.

سید رضی نیز که در طرفداری از عقاید شیعه با تمام توان و نیرو به پا خاسته بود، برای اثبات عقاید حقّه شیعه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد. از طرف دیگر تا آن زمان شیعه مجالی برای بازگو کردن عقاید خویش نیافته بود. و در زمان سید بود که استادش شیخ مفید توانست مباحث کلامی شیعه را در محافل علمی، جانی تازه ببخشد و شاگردان وی از جمله سید رضی که با حکومت وقت نیز ارتباط داشتند، از فرصت استفاده کردند و در این برهه از زمان عقاید شیعه را در محافل و مجالس و کتب علمی خویش مطرح نمودند تا بدین وسیله حقانیت مذهب تشیع را ثابت نمایند.

اینکه سید رضی تا چه حدّ موفق بوده است و تا چه اندازه اجتهادات و اصول عقلی و کلامی وی در مسائل گوناگون، پذیرفتنی است؛ نسبت به دیدگاه مفسران مذاهب مختلف در مورد جایگاه عقل و اجتهاد در تفسیر قرآن، متغیّر است. حال اگر پایه اجتهاد و عقل و تدبّر در تفسیر قرآن را تنها بحثهای کلامی و مقدمات تفسیری (نحوی، قرائات، لغوی و ...) بدانیم به جرأت می توان گفت که روش تفسیری سید رضی - در بیشتر تفسیرش - تفسیر اجتهادی است. زیرا در سراسر کتاب حاضر، بحثهای کلامی و عقلی، استدلالات نحوی و موشکافی های لغوی به چشم می خورد. به طوری که بخش عمده این تفسیر را مباحث اجتهادی به خود اختصاص داده است که حاصل تفکر و تدبّر مفسّر در آیات قرآن است.

حال به نمونه هایی از بحثهای عقلی و کلامی وی در تفسیر حقائق التأویل اشاره می کنیم.

سید رضی در فصل «آیا بهشت و دوزخ آفریده شده اند یا خلق خواهند شد؟» معتقد است که این دو پس از این به وجود خواهند آمد و دلیل بر این مدعا را آیه کریمه «اکلها

دائم وظلّها ...» (رعد/ ۳۵) می‌داند که در وصف بهشت آمده است، و در ادامه با دلایل عقلی و قرآنی به اثبات نظر خود همت می‌گمارد. وی با استفاده از این برهان که «هر پدیده‌ای فانی می‌شود» و با ضمیمه نمودن آن با آیه یادشده نتیجه می‌گیرد که بهشت و دوزخ هم اکنون آفریده نشده‌اند، سپس به آیه دیگری استدلال می‌کند که خدای تعالی می‌فرماید:

«یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب کما بدأنا اول خلق نعیده...» انبیاء/ ۱۰۴  
آن‌گاه دلیل می‌آورد که وقتی نیروی آسمان به پایان رسد و طومارش همچون کتاب درهم پیچیده شود، ناگزیر نیروی آنچه مربوط و متصل به آسمانهاست نیز درهم شکسته خواهد شد.

او همچنین بر این باور است که بهشت در آسمان و یا بالای آن آفریده می‌شود، در صورتی که خدای تعالی بهشت را به پایداری خوردنی‌ها و ماندگاری سایه‌اش توصیف فرموده است. حال اگر بهشت هم اکنون در آسمانها موجود باشد، همچون آسمان نیرویش تحلیل خواهد رفت و اساس آن درهم خواهد ریخت.

در ادامه به توضیح چگونگی بهشت حضرت آدم(ع) می‌پردازد و آن را غیر از بهشت جاوید می‌انگارد و سپس به توجیه روایات مربوط به بهشت می‌پردازد و آنها را بر اساس نظریه خود با استناد به مسائل عقلی و آیات قرآن تأویل می‌نماید.<sup>۱۶</sup>

سید رضی در جای دیگری نظریه استاد خود - ابوعلی - را ذکر می‌کند که «مالک» را در آیه «مالک یوم الدین» (حمد/ ۴) به «قادر» تفسیر کرده و تصریح نموده که خداوند بر روز جزا قادر است، چون در حقیقت مالک هر چیز همان قادر بر آن است، و هر کس که بر چیزی قدرت داشته باشد، می‌تواند هرگونه تصرفی در آن چیز بنماید، پس همو مالک آن چیز می‌باشد؛ و در توضیح آن با تکیه بر این استدلال عقلی که کلمه «مُلک» بیشتر در چیزهای موجود به کار می‌رود، در صورتی که روز قیامت هنوز نیامده است، و با این حال حق تعالی خبر داده است که او مالک روز جزا می‌باشد، نتیجه می‌گیرد که «مالک» در آیه فوق به معنی «قادر» است و پروردگار بر روز قیامت قادر است.<sup>۱۷</sup>

مرجئه آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء/ ۴۸) را دستاویز خود قرار داده و بر این باورند که برابر آیه یادشده، مرتکبین گناهان کبیره که بدون آن که خویش را از گناه پاک سازند و توبه کنند، و با اصرار بر معاصی بمیرند خدا آنها را خواهد آمرزید. سید رضی پس از طرح انواع

نظرات مرجئه پیرامون این آیه، با درایت و هوشیاری، تمامی استدلالات ایشان را رد کرده و با استناد به خود آیه و نتیجه گیری های عقلی، آیه را تأویل کرده است. وی بر این باور است که سخن مرجئه هنگامی درست است که آیه این گونه باشد: «و یغفر مادون ذلک إن شاء» ولی چون آیه «لمن یشاء» دارد، نظر ایشان باطل است. در ادامه وی نتیجه می گیرد که از خود آیه معلوم می شود که حق تعالی، بعضی از گناهکارانی را که بخواهد بیامرزد می آموزد، و برخی از کسانی که به غیر از شرك، مرتکب گناه کبیره ای شده باشند، آنها هستند که مشیت و خواست الهی بر آمرزش آنها تعلق نگرفته است، یعنی بعضی را می آموزد و بعضی را اگر بخواهد نمی آموزد. آن گاه پیرامون ابعاد گوناگون آیه بحث کرده و با استدلالات عقلی، نظرات خویش را استوار ساخته است.<sup>۱۸</sup>

### ادبیات عرب در حقائق التأویل

از جمله پایه ها و اصولی که تفسیر حاضر بر آن استوار است مباحث زیبای ادبی و بحثهای جذاب ادبیات عرب است. بحثهای لغوی و ریشه یابی لغات قرآنی، ارتباط یک لغت در یک آیه با همان لغت در آیات دیگر، استشهاد به اشعار جاهلیت برای اثبات و یا رد اقوال تفسیری و استدلال به نکات نحوی و قواعد ادبی برای پاسخگویی به اشکالات مخالفان؛ از جمله دستمایه های مفسر ادیب کتاب حاضر است.

از آنجا که سیدرضی یکی از ادبای بزرگ عصر خود بوده و از ادیبان و نحویان بزرگ عالم اسلام دانش آموخته است، طبیعی است که بر فنون ادبیات عرب و اشعار جاهلیت تسلط کافی داشته و از این ذوق سرشار در جهت حل مشکلات تفسیری بهره های فراوان برده است. به طوری که احاطه ادبی سیدرضی در جای جای تفسیر وی چشم نواز است.

در رد اقوال با اشاره به نکات ریز ادبی و استشهاد به آیات دیگر قرآن و با استدلال به اشعار شعرای جاهلیت، نکات بدیعی را به یادگار گذاشته است و در اثبات عقاید مفسران و نظرات تفسیری خویش، هیچ گاه از نقش گره گشای لغات کلیدی قرآن و قواعد نحوی غافل نبوده است.<sup>۱۹</sup>

لازم به تذکر است با نگاهی دقیق در تفسیر حاضر یکی دیگر از اصول تفسیری وی آشکار می گردد و آن اینکه سیدرضی هر لغتی را در فضای فرهنگ قرآنی آن مورد دقت و

معنی‌شناسی قرار می‌دهد و یک لغت را با توجه به همه موارد کاربرد آن در قرآن، معنی و تفسیر می‌کند و این از جمله اصولی است که تفسیر حاضر بدان پایبند است، هر چند که کمتر مفسّری بدین نکات توجه دارد. دقت در نکات ادبی و لغوی تفسیر حقائق التأویل، از هوش سرشار، ذوق ادبی، مهارت در فهم اشعار و دقایق نحوی و تسلط وی در معارف و آیات قرآنی حکایت می‌کند. اکنون به گوشه‌ای از موارد یاد شده می‌پردازیم.

سید رضی در تفسیر خویش پیرامون واژه «محرّر» بحثهای لغوی سودمندی دارد. ابتدا کاربردهای ریشه‌ای آن را مطرح نموده و سپس معنای مناسب را برای واژه «محرّر» برگزیده می‌نویسد:

«محرّر یعنی چیزی که نذری خالص است؛ هر چیزی که خالص باشد و به هیچ چیزی جز خدا وابسته نباشد «محرّر» است، تحریر کتاب هم از همین ماده می‌باشد، چون کتاب پس از تحریر، از مسوّدّه اش رها گردیده است. عرب گوید: حرّرت الغلام، یعنی او را ویژه خودش ساختم و قید ملکیت خودم را از گردن او برداشتم، همچنین است «رجل حرّ» یعنی مردی که از عیبهای خالص باشد. «الطین الحرّ»، گلی که از شن و ریگ و لجن پاک باشد، در واقع عبارت است از خالص شده برای عبادت، به طوری که از او کاری جز ستایش پروردگارش نخواهند، یا اینکه معنای «محرّر» این است که خویشتن را وقف طاعت حق نماید و از بند بندگی معاصی آزاد شود و از گناهان دوری کند و به هیچ دری از درهای معصیت روی نیاورد، از این رو شایسته عقاب نخواهد بود.»<sup>۲۰</sup>

در توضیح معنای «ایمان» آن را در آیه ۹۰ از سوره آل عمران به معنای «تصدیق» گرفته و این کلمه را از جمله اسماء منقوله می‌داند که از معنای اصلی خود نقل یافته و در اصطلاح شرع از جمله اسماء مدح قرار گرفته است، که مسمّای به این اسم در خور پاداش با نوعی تعظیم و تجلیل می‌باشد. و برای تأیید گفتار خود به آیه «و ما أنت بمؤمن لنا و لو كنتا صادقین» (یوسف/۱۷) استناد می‌کند.<sup>۲۱</sup>

در فصلی با عنوان «فرق بین نظر و رؤیت» ابتدا معانی مختلف «نظر» را با استناد به آیات قرآن بیان می‌کند و سپس با استشهاد به شعر ذی الرمه و تفسیر استادش ابن جنّی بر شعر ذی الرمه، فرق بین «نظر» و «رؤیت» را چنین ذکر می‌کند:

«نظر» گاهی به معنای انتظار می‌آید، و گاهی به معنای تفکّر در دلایل، مثل این که

گوییم: فلان من اهل النظر. و «نظر» به معنی تدبّر و تأمل می‌آید، چنان که حق تعالی می‌فرماید: «انظر كيف ضربوا لك الامثال ...» (اسراء/۴۸)؛ یعنی تأمل کن، و گاهی «نظر» به همین معنی با حرف جرّ متعدی می‌شود، مثل آیه «أفلا ينظرون الى الإبل كيف خلقت» (غاشیه/۱۷) که مراد وادار کردن به تأمل و تدبّر است. و نیز «نظر» به معنای برگرداندن حدقه چشم به طور درست در سمت جسم دیدنی به خاطر دیدن و رؤیت است.

از اینجاست که فرق «نظر» و «رؤیت» آشکار می‌گردد، زیرا هر رؤیت کننده‌ای نظر کننده است، اما هر نظر کننده‌ای رؤیت کننده نیست.

سپس سیدرضی از جمع بندی کاربردهای مختلف واژه «نظر» نتیجه می‌گیرد که حقیقت نظر عبارت است از طلب، زیرا ناظر و نظر کننده هم طلب رؤیت می‌کند، و اندیشمند هم معرفت جست و جو می‌کند و ناظر به معنای انتظار کشنده هم چیزی را می‌جوید که انتظارش را می‌کشد و همراه با خوف و رجا است.<sup>۲۲</sup>

در بحث از آیه «وله أسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً و إلیه یرجعون» (آل عمران/۸۳)، سیدرضی «أسلم» را به معنی «سَلِّم» گرفته و می‌گوید: چنان که أعلم و علم به یک معنی آمده است، أسلم و سَلِّم هم به یک معنی هستند و در توضیح آیه فوق می‌افزاید: پس معنای آیه مورد بحث این است که: «وله سَلِّم من فی السموات و الأرض، یعنی آنچه در آسمانها و زمین است در برابر قدرت الهی اعتراف به عجز کرد و اقرار کرد که یارای هموردی با پروردگار را در آفرینش پدیده‌ها ندارد و در برابر قدرت و جلال خداوندی بسیار ناتوان است؛ چنان که شخص می‌گوید: من تسلیم تو هستم، یعنی نمی‌توانم با تو مقابله کنم و از همسانی و همپایی با تو ناتوانم.<sup>۲۳</sup>

در جای دیگر در بحث از آیه «آیات بیّنات مقام ابراهیم» در پاسخ اشکال مخالف که گفته است: «مقام ابراهیم» بدل است از «آیات بیّنات» و «مقام» مفرد می‌باشد در صورتی که «آیات بیّنات» جمع است و باید بدل با مبدل منه مطابقت داشته باشد، چند پاسخ داده؛ از جمله گفته است: مرفوع بودن مقام ابراهیم را به خاطر بدل بودن نمی‌دانند بلکه مرفوع به اضممار است و در تقدیر «هی مقام ابراهیم» می‌باشد، و عده‌ای نیز گویند معنای آیه «منها مقام ابراهیم» است، و برخی را عقیده بر آن است که «مقام ابراهیم» در معنی جمع است و در تقدیر «مقامات ابراهیم» می‌باشد، لکن «مقام» گفته است برای این که مصدر به معنای جمع است همچنان که حق تعالی فرموده: «ختم الله

علی قلوبهم و علی سمعهم» که «سمعهم» به معنی «أسمعهم» آمده است.<sup>۲۴</sup> در تفسیر آیه «... إنا نملي لهم ليزدادوا إثماً...» (آل عمران/ ۱۷۸) که از مضمون آن این گونه بر می آید که خدای تعالی از کفار، اراده کفر کرده است؛ پاسخهای چندی را آورده و از آن میان به این نکته اشاره کرده است که: إضافة فعل به خدای سبحان بدان جهت نیکو است که کفر و عصیان کفار پس از مهلت الهی و زنده نگاه داشتن ایشان تحقق یافته است، در صورتی که خدای تعالی آنها را ننگ نداشته است که معصیت کنند و کفر بورزند، بلکه بدان منظور است که ایمان آورند و به یاد حق افتند. در کلام عرب چنین است که به طور معمول عملی را که از آن نهی شده است در صورتی که دستور نهی کننده، تغییری در عمل فرد نهی شده ایجاد نکند، آن عمل را به نهی کننده نسبت می دهند. همچنان که گویند: «مازادتك موعظتي إلا شراً و ما ازددت بتبصيري لك إلا غيًّا».<sup>۲۵</sup>

### جایگاه نقل در حقائق التأویل

تفسیر مأثور که یکی از روشهای تفسیری مهم در سده های اولیه اسلام بوده است تا پیش از زمان سید رضی نیز یکی از مهم ترین روشهای تفسیری بوده است.<sup>۲۶</sup> در عصر سید رضی، روایات همچون گذشته پذیرفته نمی شد، بلکه با به میدان آمدن عقلگرایی، برخورد با روایات نیز دگرگون گردید. عده ای روایات را با اصول عقلی می سنجیدند و سپس مهر صحت بر آنان می زدند. در مقابل اینان، برخی نیز روایات را بدون چون و چرا می پذیرفتند. و گروهی نیز جانب اعتدال در پیش گرفته و روایاتی را صحیح می دانستند که از جهت سلسله سند و قوانین علم حدیث صحیح باشند.

در این میان، اوج گیری بحثهای عقلی و کلامی عرصه را بر نقل و روایت احادیث، تنگ ساخته بود و عقلگرایی و اجتهاد، دایره حدیث مداری را محدود کرده بود. در نزد متکلمان، هر روایتی بواسطه روایت بودنش پذیرفته نبود، بلکه همه روایات مورد نقد و بررسی قرار می گرفت و گاه روایاتی رد می شد و دیگر روایات نیز در بوته نقد و بررسی با اصول عقلی و نقلی تأیید می شد.<sup>۲۷</sup>

سید رضی، در برخی از موارد با تکیه بر روایات مفسران صدر اسلام نظرات تأویلی خود را مستند می سازد<sup>۲۸</sup> و در بعضی موارد نیز روایات بی مایه و جعلی را گوشزد



می‌کند و نقاط ضعف آنها را بر می‌شمارد و در ردّ این گونه روایات هیچ ابایی ندارد.<sup>۲۹</sup> در بیشتر موارد، وی روایات و احادیث مأثور- بویژه اقوال صحابه و تابعان- را به عنوان نظری در کنار نظرات دیگر مطرح می‌کند<sup>۳۰</sup> و گاه جهت استوار ساختن نظریه‌ای و یا ابطال نظریه دیگری، از روایات- بویژه روایات ائمه معصومین(ع)- مدد می‌جوید.<sup>۳۱</sup> در چند مورد نیز، روایات ائمه معصومین(ع) را پیرامون تفسیر آیه‌ای بر اقوال و نظرات گوناگون مفسران و قرآن پژوهان ترجیح می‌دهد و آن را صحیح‌ترین قول بر می‌شمارد.<sup>۳۲</sup>

سید رضی در توضیح فضای نزول آیات از روایات اسباب النزول کمک می‌گیرد و با توجه به این روایات فضای جغرافیایی نزول آیه را ترسیم می‌کند و سپس با توجه به آن فضا به تفسیر آیه همت می‌گمارد.<sup>۳۳</sup> در دو مورد نیز، سید رضی پس از نقل روایتی از حضرت علی(ع) در کنار سایر اقوال، در یک مورد از آن دو مورد نظر خود را بر نظرات مفسران دیگر و روایت منقول از امیرالمؤمنین(ع) ترجیح داده و بهترین تفسیر آیه را نظر خود دانسته است،<sup>۳۴</sup> و در مورد دیگر نیز نظر خود را در کنار دیگر نظرات مطرح کرده است.<sup>۳۵</sup>

مطلب دیگر در زمینه روایات مأثور در تفسیر حقائق التأویل این است که سید رضی فقط در چند مورد اندک به روایات ائمه معصومین(ع) استناد جسته و بیشتر از روایان اهل سنت نقل کرده است.

توجه به دو نکته مهم و اساسی در زمینه تغییر روند تحولات علمی- فکری قرن چهارم و تأثیر مستقیم آن بر روش تفسیری سید رضی در حقائق التأویل حائز اهمیت است:

۱. تفسیر حقائق التأویل که با هدف پاسخگویی به اشکالات مخالفان و دفع شبهات آنان و تأویل آیات متشابه که دست‌آویز هر فرقه‌ای می‌توانست قرار بگیرد، در عصر نزدیکی شیعه و سنی به یکدیگر و اوج برگزاری محافل رسمی فرقه‌های مختلف و تبادل نظر پیرامون وجوه اشتراك و اختلاف مذاهب گوناگون، به رشته تحریر درآمد، ناگزیر می‌بایست به طرح مسائلی پردازد که مورد اتفاق هر دو گروه شیعه و سنی باشد و این مسئله ایجاب می‌کرد که دلایل مورد استدلال از اصولی باشد که مورد پذیرش هر دو طرف باشد. از این رو آیات قرآن کریم در مرحله اول و اصول عقلی در مرحله دوم نقش بسزایی در تأمین هدف مفسر داشتند، به طوری که برای حدیث جایی باقی

نمی گذاشتند.

۲. غالیان که از نقل روایات غلوآمیز و انتشار آنها به عنوان عقاید شیعه هیچ ابایی نداشتند و به صراحت آیات قرآن را بر پایه باورهای شخصی و فرقه ای خویش تفسیر و تأویل می کردند،<sup>۳۶</sup> عرصه را بر فعالیتهای علمی بزرگان شیعه تنگ کرده بودند. در این رویارویی، علمای شیعه برای پاکسازی روایات به عقلگرایی و مباحث کلامی روی آوردند تا از این رهگذر عقاید ناب شیعه را بر پایه اندیشه های عقلی استوار سازند و از سوی دیگر فعالیت غالیان را محدود سازند و در برابر آنان با تمام توان قیام نمایند، تا از خدشه دار شدن اصول مسلم شیعه جلوگیری نمایند و از این مشکل فرهنگی، نجات پیدا کنند و بتوانند در بستر سالمی، احادیث شیعه را جمع و تدوین و منتشر سازند. هر چند که پیداست شیعه تا آن زمان مجالی برای طرح روایات ائمه معصومین (ع) پیدا نکرده بود تا بتواند در این حوزه با تمام توان فعالیت کند.

حال در زیر به مواردی از روایات مآثر نگاهی گذرا داریم:

مورّج (سدوسی) گوید: به تعبیر «قیس عیلان» مراد حق تعالی از «شهد الله»، «قال الله» است، چون معنای شهادت در اصل، گفتار مخصوص است.

سید رضی این نظر را ردّ می کند و دلیل می آورد که در قرآن کریم مواردی هست که در آنها به شهادت پروردگار اشاره رفته است، در صورتی که نمی توان گفت که مراد حق تعالی از کلمه شهادت، «قول» است چون با این توجیه، اساس معنی خراب می شود، از جمله آیه کریمه: «لکن الله یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه و الملائکه یشهدون و کفی بالله شهیداً» (نساء/ ۱۶۶) پیداست که در اینجا نمی توان گفت که مراد: «لکن الله یقول بما أنزل» است، چون معنای جمله خراب می شود.<sup>۳۷</sup>

ابوجعفر طبری از عکرمه و سدّی نقل کرده است که این دو گفته اند: چون ملائکه به حضرت زکریا (ع) بشارت دادند، شیطان بر این صدا و بشارت اعتراض کرد؛ حضرت زکریا را وسوسه کرد که آنچه شنیده ای از سوی ملائکه نبوده، بلکه از ناحیه شیطان است، چون اگر از طرف حق تعالی بود ناگزیر به صورت وحی بر تو نازل می شد. به همین جهت زکریا شک کرد و گفت ...

سید رضی با هوشیاری این روایت را نشانگر نادانی گوینده اش می داند و مقام پیامبران را بالاتر از آن می داند که بازیچه شیاطین قرار گیرند و نتوانند صدای شیطان و ملائکه را از یکدیگر تشخیص دهند. سپس نزول وحی را سبب آرامش و اطمینان قلبی

پیامبر برمی شمارد و می افزاید که نزول وحی که باعث اطمینان خاطر می شود نمی تواند شک برانگیز باشد. از سوی دیگر با استفاده از خود آیه پاسخ می دهد: اگر آن حضرت شک داشته است که طرف خطاب او خداوند است یا نه، کمترین چیزی که می توانست بگوید این بود «آئی یکون لی غلام» نه این که در آغاز خدای تعالی را مخاطب قرار دهد و بگوید: «رب آئی یکون لی غلام»؛ پس معلوم می شود که طرف خطاب خود را - که خداوند بوده - می شناخته است.<sup>۳۸</sup>

در تأویل آیه «ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» از عکرمه دوست ابن عباس روایتی را نقل می کند که او گفت: خداوند از سجده کردن بعضی بعض دیگر را نهی فرموده است و نصارا نسبت به بزرگان دینی شان و قضات، خضوع و کوچکی دارند و آنها را سجده می نمایند.<sup>۳۹</sup>

در تأویل آیه «واذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنه ...» (آل عمران / ۸۱) بعضی از مفسران، پیامبران و بعضی امتهای پیامبران را مخاطب آیه می دانند. سید رضی وجود روایات بسیاری را مبنی بر اینکه طرف خطاب آیه پیامبرانند دلیل معتقدان به فرض اول بر شمرده و چندین روایت در این زمینه نقل می کند از جمله روایتی است که از حضرت امیر المؤمنین (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود:

«لم یبعث الله سبحانه نبیاً من لدن آدم (ع) الی محمد (ص)، إلا اخذ علیه العهد فی محمد لئن بعث و هو حی لیؤمنن به و لینصرنه».

از ابن عباس و طاووس روایت شده است که: همانا از پیامبران پیمان تبلیغ گرفته شده است نه امتهایشان، تا اینکه هر یک از آنها دیگری را تأیید و تصدیق نماید و به پیامبری یکدیگر گواهی دهند.<sup>۴۰</sup>

درباره مراد از خطاب «کنتم» در آیه «کنتم خیرامة اخرجت للناس ...» روایات چندی را نقل می کند. از ابن عباس - رضی الله - روایت شده است که او گفت: آیه «کنتم خیرامة اخرجت للناس ...» درباره کسانی نازل شده است که آنها با رسول الله (ص) به مدینه هجرت نمودند. از مجاهد روایت شده است که او گفت معنای آیه این است که شما بهترین امت هستید؛ تا آن گاه که امر به معروف و نهی از منکر نمایید و به خدای تعالی ایمان آورید این چنین خواهید بود. از حسن بصری روایت شده است که:

«این آیه خطاب است به صحابه گرامی، نه تابعان که حالات آنها تغییر یافته و اوصافشان عوض گردیده است.»<sup>۲۱</sup>

سید رضی در تأویل آیه «وإن خفتنم ألا تنقسوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء منی و ثلاث و رباع ...» (نساء/ ۳) با ذکر روایتی از امام باقر(ع) سبب نزول آیه را نقل می‌کند و بر پایه این روایت اشکالات وارده را پاسخ می‌گوید.<sup>۲۲</sup>

### روش تفسیری سید رضی در نگاه کلی

علاوه بر دلایلی که در بحث «جایگاه نقل در حقائق التأویل» پیرامون استفاده محدود از روایات توسط سید رضی در تفسیر آیات ذکر شد، دلایلی هم در اینجا ذکر می‌شود که از رهگذر تجزیه و تحلیل آنها به روش تفسیری سید رضی دست خواهیم یافت.

۱. از یک سو مسائلی که در قرن چهارم در محافل علمی مورد بحث و مناظره قرار می‌گرفت در قرن اول و دوم یا مطرح نشده بود و یا به شکل محدود و مجمل طرح شده بود، در صورتی که در عصر سید رضی این مسائل با تیزی و دقت بیشتر مورد بازبینی قرار می‌گرفت و بحثهای گسترده و هم‌آورد با مخالفان را می‌طلبد. و از دیگر سو، به دلیل ارائه نشدن بحثهای یادشده از سوی یاران ائمه(ع) و نبودن روایت در زمینه‌های مزبور، روایات ائمه معصومین(ع) درباره مسائل مورد گفت و گو در آن عصر اندک بود. و این روایات اندک در مقابل موج روزافزون شبهات مخالفان و دفع اشکالات آنان، سهم ناچیزی را به خود اختصاص می‌دادند و اصولاً روایات یادشده، کمتر به بحثهایی که سید رضی متعرض آنها گردیده پرداخته‌اند؛ از این رو نقل روایات اندک در تفسیر وی امری طبیعی است.

۲. بنابر اصلی که سید رضی برای تفسیر آیات متشابه دارد و تفسیرش نیز فقط تأویل آیات متشابه را شامل می‌شود، وی جز استفاده از آیات محکم قرآن برای شرح و تأویل آیات متشابه، چاره‌ای دیگر نداشت، بنابراین استفاده از روایات چندان مفید نمی‌افتاد.

۳. بیشتر اشکالات مخالفان به دلیل فضای حاکم بر آن عصر، کلامی و عقلی بود و برای پاسخ به این اشکالات، مباحث کلامی و عقلی در صدر قرار داشتند و در جواب عقل، فقط عقل کارساز بود و نقل را یارای هم‌آوردی و مقابله با عقل، بویژه برای اقناع مخالفان نبود. وانگهی روایاتی که به این مباحث می‌پرداختند از یک سو اندک و مجمل و

از دیگر سو مورد بی میلی مخالفان قرار می‌گرفتند. بنابراین نقل این روایات که مورد پذیرش تمامی گروه‌های کلامی آن روزگار نبود، آب در هاون کوبیدن بود.

۴. دستمایه مباحث کلامی و عقلی یادشده در تفسیر حاضر، آیات قرآن و روایات ائمه (ع) است و اصول کلامی شیعه از بطن روایات ائمه (ع) و آیات قرآن استخراج گردیده است و آبشخور اصول کلامی وی نیز مجاری وحی بوده است. با توجه به این نکته، حضور غیر مستقیم روایات در تفسیر سید رضی خودنمایی می‌کند.

مجموعه دلایل بالا توجیه گر محدود بودن دایره نقل روایات در تفسیر حاضر خواهد بود.

حال در مورد روش تفسیری سید رضی با دید واقع بینانه ای می‌توان گفت که ایشان در تفسیر خود روش «تفسیر جامع» را در پیش گرفته است؛ بدین شکل که در استفاده از آیات قرآن، به «روش تفسیر قرآن به قرآن» پرداخته و در استفاده از تفکر و تعقل و تدبّر در فهم صحیح قرآن، «روش تفسیر عقلی و اجتهادی» را پی گرفته و در استناد به مقدمات علمی تفسیر قرآن و استشهاد به اشعار و لغات عربی، قواعد نحوی، شأن نزول آیات و مراعات جهات لفظی و ویژگیهای صنعتی توجه تامّ و خاصی داشته است. همچنین به دلیل اینکه فردی شیعی مذهب است و ارادت خاصی به خاندان پیامبر دارد، به قدر ممکن روایاتی را از ائمه (ع) نقل کرده است. هر چند که از روایات صحابه و تابعان نیز در حواشی نکات تفسیری خود بهره‌های فراوانی برده است.

نتیجه آن که در تفسیر «حقائق التأویل فی مشابیه التنزیل» روش تفسیری سید رضی با اتکاء به آیات قرآن، استناد به سنت و عترت، استفاده از تعقل و تفکر و بهره‌گیری از مقدمات علمی تفسیر قرآن، روش «تفسیر جامع»<sup>۲۳</sup> است که نسبت به هزار سال پیش در نوع خود بی نظیر بوده و این سخن را استادش ابن جنّی تأیید می‌کند که در مورد تفسیر وی گفته است:

«صنّف الرضی کتاباً فی معانی القرآن الکریم یتعذّر وجود مثله.»<sup>۲۴</sup>

۱. حلی، عبدالحسین، شرح حال و آراء و آثار سید رضی؛ مقدمه تفسیر حقائق التأویل، ترجمه دکتر محمود فاضل؛ دوانی، علی، دورنمایی از شخصیت والای نابغه نامی سید رضی مؤلف نهج البلاغه؛ نقل از یادنامه علامه شریف رضی به اهتمام: سید ابراهیم سید علوی. جهت اطلاع بیشتر از زندگی و احوال سید رضی به منابع زیر مراجعه کنید:
  - سید رضی مؤلف نهج البلاغه، علی دوانی.
  - الشریف الرضی؛ محمد عبدالغنی حسن.
  - الشریف الرضی، محمد رضا آل کاشف الغطاء.
  - مصادر ترجمه الشریف الرضی، دکتر محمد هادی امینی نجفی.
  - بررسی و تحقیق پیرامون منابع ترجمه و شرح حال شریف رضی، یادنامه علامه شریف رضی، سید ابراهیم علوی.
۲. فقیهی، علی اصغر، وضع شیعه در عصر شریف رضی، به نقل از یادنامه علامه شریف رضی، ۳۰۳.
۳. جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش، ۲۴۸.
۴. آدم متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲، ۲۲۷. به نقل از: (Goldziher, zabiriten, s., 132).
۵. حلی، عبدالحسین؛ مقدمه کتاب تفسیر حقائق التأویل / ۹۱ (ترجمه از دکتر محمود فاضل).
۶. ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ۴/ ۴۱۶.
۷. خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱/ ۶۹۷.
۸. مصطفوی، سید جواد، روش تفسیر شریف رضی؛ یادنامه علامه شریف رضی، ۵۹.
۹. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، ۲/ ۹۱.
۱۰. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المكتبة المرتضویة، تحقیق ندیم مرعشی، ۲۶۱.
۱۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه ابومحمد وکیلی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش، ۱۴/۳.
۱۲. السید الشریف الرضی، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل؛ دارالکتب الاسلامیة؛ قم: [بی تا]؛ علامه شریف رضی، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، ترجمه دکتر محمود فاضل یزدی مطلق، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶ ش، ۱۱۲.
۱۳. همان، ۲۷۸ (ترجمه: ۳۸۶).
۱۴. همان، ۲۴ (ترجمه: ۱۳۰).
۱۵. همان، ۳۳۶ (ترجمه: ۴۴۸).
۱۶. همان، ۲۴۶ (ترجمه: ۳۵۱).
۱۷. همان، ۶۹ (ترجمه: ۱۷۵).
۱۸. همان، ۳۶۲ (ترجمه: ۴۷۶).
۱۹. همان، ۱۵۲-۱۵۴؛ ۱۶۵-۱۹۰-۱۹۲.
۲۰. همان، ۸۵ (ترجمه: ۱۸۹).
۲۱. همان، ۱۶۳ (ترجمه: ۲۷۰).

۲۲. همان، ۲۵۳ (ترجمه: ۳۵۹).
۲۳. همان، ۲۷۶ (ترجمه: ۲۶۱).
۲۴. همان، ۳۰۰ (ترجمه: ۲۸۸).
۲۵. همان، ۴۰۳ (ترجمه: ۳۹۱).
۲۶. هادی جاسم محمد ابوطبره، المنهج الأثری فی تفسیر القرآن الکریم، ۲۶-۶۱.
۲۷. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ۱/۱۴۶؛ شیخ طوسی، محمد حسن، التبیان، ۱۹۸/۱.
۲۸. سیدرضی، حقائق التأویل، ۳۱۵-۳۱۷.
۲۹. همان، ۲۱۲-۲۱۳؛ ۲۴۹-۲۵۰؛ ۳۳۹-۳۴۰؛ ۴۶۹-۴۷۲.
۳۰. همان، ۱۵۲؛ ۱۸۳؛ ۱۸۶؛ ۱۹۶؛ ۲۴۱؛ ۳۴۳.
۳۱. همان، ۲۳۲؛ ۴۱۳.
۳۲. همان، ۳۶۵.
۳۳. همان، ۲۸۱؛ ۳۵۱؛ ۳۷۷؛ ۴۶۰.
۳۴. همان، ۲۵۳-۲۵۶.
۳۵. همان، ۲۹۴-۲۹۶.
۳۶. جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: نعمت الله صفری فروشانی، غالیان، کاوشی در جریانها و برآیندها، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۲۸۴.
۳۷. سیدرضی، حقائق التأویل، ۵۸ (ترجمه: ۱۶۳).
۳۸. همان، ۹۳ (ترجمه: ۱۹۸).
۳۹. همان، ۱۲۱ (ترجمه: ۲۲۵).
۴۰. همان، ۱۳۴ (ترجمه: ۲۳۸).
۴۱. همان، ۲۲۳ (ترجمه: ۳۲۸).
۴۲. همان، ۲۹۲ (ترجمه: ۴۰۲).
۴۳. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ش، ۳۱۵.
۴۴. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۲/۲۴۶؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۴/۴۱۶.

